

یک تجربه موفق کشاورزی

علی محمد بخشوده

کلیدواژه‌ها: هنرجویان، هنرستان، سبزیجات، صیفی‌جات، مرکبات.

اما برای هنرجویان هنرستان غیر از این گردش‌های علمی فکر دیگری داشتیم. یک روز به آن‌ها مأموریت دادم در سطح شهر به سبزی‌فروشی‌ها بروند و از فروشنده خواهش کنند پرفروش‌ترین و کم‌فروش‌ترین سبزی را نام ببرند و اعلام کنند استقبال مردم بیشتر و کلاً به چه نوع محصولاتی است. چون این اطلاعات در هنگام کاشت، داشت و برداشت محصولات باید لحاظ شود. با توجه به این که رودخانه الوند از وسط قصر شیرین می‌گذرد و آب فراوانی هم دارد و زمین‌های اطراف رودخانه، که بکر و دست‌نخورده مانده است، چرا از این موهبت‌های الهی استفاده نمی‌شود و افراد کمتری به کار کشاورزی می‌پردازند. فکر کردم پیشنهاد خود را مبنی بر ایجاد یک کشاورزی کوچک به هنرجویان

آن زمان که در هنرستان و دبیرستان‌های قصر شیرین به تدریس مشغول بودم (پیش از انقلاب اسلامی)، دانش‌آموزان دبیرستان‌ها را برای شناخت و آموزش در خصوص گیاهان محیط زندگی خود (اعم از گیاهان صنعتی، سمی، دارویی، خوردنی و کاربرد آن‌ها در زندگی) و همچنین تدریس زمین‌شناسی به منظور شناخت انواع سنگ‌های جامد پوسته زمین، کانی‌ها، فسیل‌ها و نمونه‌هایی که در این شهرستان وجود دارد، به اطراف قصر شیرین می‌بردم.



وجین کردن و سبزه شکنی

بگویم. قبلاً راجع به گیاهان قصر شیرین (انواع صنعتی، زینتی، علف‌های هرز، دارویی و خوردنی) صحبت کرده بودم. یک روز یک نفر از هنرجویان مقداری گیاه به کلاس آورد و روی میز گذاشت و گفت هم‌کلاسان منتظرند فوائد این گیاهان و خطرهای احتمالی آن‌ها را بدانند. گیاه اول را برداشتم و به هنرجویان گفتم این گیاه سَلْمَه‌تره است و از خانواده اسفناج است. رویش جهانی دارد و می‌شود آن را مثل اسفناج پخت و به صورت بورانی یا با ماست خورد و در تهیه آش قابل استفاده است. گیاه دوم پنیرک بود که در محل به آن نون کلاغ می‌گفتند. برگ‌های پنیرک را پس از پختن می‌شود به صورت بورانی خورد یا با آن کوکوی سبزی درست کرد. گیاه سوم تاج خروس وحشی بود که به بچه‌ها گفتم این علف هرز است و هنگام وجین مزرعه باید آن را کند و دور انداخت. زیرا به سرعت رشد می‌کند و مانع از رشد سایر گیاهان می‌شود و باید آن را در مزرعه کنترل کرد.

گیاه چهارم خُرفه بود. گفتم برگ‌های گوشتی این گیاه دارای فسفر، آب و املاح، مواد معدنی و انواع ویتامین‌هاست و در ضمن یک غذای مقوی است، اغلب آن را با کشک می‌خورند که بسیار خوشمزه است. خُرفه جهت تقویت مغز انسان مفید است. گیاه پنجم خارشتر بود. از این گیاه عرق خارشتر می‌گیرند و برای کسانی که سنگ کلیه دارند بسیار مفید است. گیاه ششم خارخسک بود به هنرجویان گفتم این خارخسک را با کاکل ذرت و دم گیلان دم می‌کنند و از آن برای درمان سنگ کلیه استفاده می‌شود. این چند گیاه از میز اول تا آخر کلاس دست به دست می‌چرخید تا ظاهر گیاه در ذهن هنرجویان بماند. پس از نشان دادن و توضیح این گیاهان ذوق و علاقه و انگیزه هنرجویان نسبت به گیاه‌شناسی افزایش یافت. اینجا بود که پیشنهاد خود را برای ایجاد یک کشاورزی کوچک با هنرجویان در میان گذاشتم و آن‌ها استقبال کردند. تعدادشان در کلاس بیست و شش نفر بود. برای جمع‌آوری اطلاعات اولیه و آگاهی از توانمندی



وجین کردن علف‌های هرز

درست کردیم و با برگ‌های بزرگ نخل خرما دیوارهای جانبی را پوشاندیم. تا از این طریق جایی هم برای استراحت و نگهداری آماده شود. پیرمرد با صفایی به نام خالو میرزا داوطلب شد نگهداری مزرعه را به عهده بگیرد و هنرجویان چون او را می‌شناختند خوشحال شدند و از او استقبال کردند.

پس از کشت، گروه داشت هر روز از مزرعه سرکشی می‌کرد. پس از چند روز بالأخره سبزی‌ها به حد درو رسیدند. محصولاتی که توسط گروه برداشت، بسته‌بندی و به مغازه می‌آمد چون از سوی پدران و مادران و همسایه‌ها با علاقه‌مندی خریداری می‌شد هنرجویان را بسیار خوشحال می‌کرد.

طریقه برداشت محصولات را به هنرجویان آموخته بودم، از جمله سبزی تره باید از روی خاک چیده شود و سبزی جعفری حداقل از یک سانتی‌متر بالای خاک، زیرا جوانه انتهایی نباید قطع شود. اصولاً هر سبزی‌ای روش برداشت خاص خود را دارد، که از

آن‌ان. تعداد ۲۶ برگ کاغذ در اختیارشان قرار دادم و گفتم هر کدام هر کاری را در کشاورزی بلد هستید و می‌توانید انجام دهید بنویسید. کاغذها را جمع‌آوری کردم و به خانه بردم و توانمندی‌های هر فرد را در لیستی جلو اسمش نوشتم. یکی نوشته بود چون پدر من کشاورز است و همیشه به او کمک می‌کنم سبزی‌کاری را خوب بلدم. دیگری نوشته بود صیفی‌کاری را بلدم و دیگری درخت‌کاری را. زمین بکر و افتاده در حاشیه رودخانه الوند زیاد بود. به هنرجویان گفتم با پدران خود برای زمین صحبت کنید. روز بعد چهار نفر از هنرجویان آمدند و گفتند پدران ما پنج هزار مترمربع زمین در اختیار گذاشته و گفته‌اند با آقای بخشوده بروید هر جا نظرشان بود انتخاب کنید.

به اتفاق هنرجویان جایی از زمین حاشیه رودخانه را انتخاب کردیم، که تقریباً آب رودخانه، هم‌سطح زمین بود و با یک شیار کوچک آب بر زمین سوار می‌شد. دو روز بعد با مشورت هم‌گروه‌های کار در مزرعه تشکیل شد و هر گروه کاری را به عهده گرفت.

۱. گروه آبیاری، ۲. گروه کاشت - نگهداری و مواظبت از خاک، ۳. گروه داشت، ۴. گروه برداشت، و ۵. گروه وجین‌کار (چیدن علف‌های هرز و خاک دادن پای بوته‌ها)، ۶. گروه بسته‌بندی محصولات تمیز، بهداشتی و بدون علف هرز، ۷. گروه فروش محصولات و بازارباز، ۸. و گروه حسابداری و کارهای بانکی

پدران هنرجویان در بسیاری از کارهای کشاورزی به ما کمک می‌کردند. در آن زمان جوانان قصر شیرین شغل درستی نداشتند و متأسفانه اغلب از مرز خسروی چای، صابون، رادیو و غیر آن‌ها را به قصر می‌آوردند و می‌فروختند. با این پیشنهاد، پدران و مادران می‌دیدند پسرانشان به یک کار خداپسند مشغول خواهند شد. از این‌رو خیلی خوشحال بودند. قرار گذاشتیم در یک روز جمعه همه با هم خار و خاشاک و سنگ‌های زمین را جمع‌آوری کنیم. روز بعد زمین به وسیله گروه آبیاری، آبیاری شد و با نرم‌شدن زمین قابل کرت‌بندی شد. زمین، پس از کرت‌بندی و بیل‌زدن، تسطیح و آماده گشت. بذر سبزیجات، مثل، تره، جعفری، شاهی (تره‌بزرگ)، ریحان، بنفش و سبزی، گشنیز، شنبلیله، تربچه، پیازچه، پیاز، بادرنجبویه، مرزه، کاهو، باقلا، لوبیای سبزی، هویج، گوجه‌فرنگی، سیب‌زمینی، بامیه، کدو مسمایی، کدو تنبل، فلفل سبزی، فلفل دلمه و نظایر آن‌ها از عطاری‌ها خریداری شد. مقداری کود حیوانی سوخته به کرت‌ها اضافه شد. سپس بذر محصولات به وسیله گروه‌های ذی‌ربط کاشته شد و البته این کار در حضور خودم انجام می‌شد (بذر جعفری چون دیر سبزی می‌شود باید ۲۴ ساعت در آب خیس شود، سپس آن را روی پارچه‌ای بریزند تا هوا بخورد و کمی خشک شود، آن‌گاه با ماسه بادی مخلوط و در زمین پاشیده شود).

هنرجویان، به کمک پدرانشان یک وانت پیکان قسطی خریدند و یک مغازه برای فروش محصولات به قیمت خیلی کم اجاره کردند. در کنار رودخانه و حاشیه مزرعه یک آلاچیق به شکل هرم از چوب



امید است هنرآموزان عزیز ما تا آنجا که ممکن است مهارت‌های عملی را به هنرجویان بیاموزند و در همه رشته‌های فنی و حرفه‌ای اصل حاکم، عمل باشد



بسته بندی

در غیر این صورت در آینده موفق نخواهد بود. بعدها شنیدیم که عده‌ای از دانش‌آموزان سال‌های آخر دبیرستان‌های قصرشیرین با هم متحد شده و به کمک پدران خود زمینی انتخاب کرده، دور آن را سیم خاردار کشیده و یک باغ مرکبات، شامل لیموشیرین، لیموترش، نارنج و پرتقال و نارنگی ایجاد کرده‌اند و محصول آن‌ها بیشتر به کرمانشاه و به سایر استان‌های ایران ارسال می‌شده است. امیدواریم در سراسر میهن اسلامی و در این خاک پهناور و زرخیز بتوانیم از طریق کشاورزی و سایر منابع اقتصادی گام‌های مؤثری برداریم، ان شاء الله.

بحث این مقال خارج است. چون هنرجویان اجاره زمین و پول آب نمی‌دادند از سودکار خود اقساط پیکان را پرداخت کردند و برای سال بعد مقداری کود حیوانی خریدند و ذخیره کردند. هنرجویان برای ارتقای اطلاعات کشاورزی خود از کتابخانه هنرستان کتاب می‌گرفتند و مطالعه می‌کردند و هر روز که می‌گذشت در بین آن‌ها خلاقیت‌های نوی شکوفا می‌شد.

هنرجویان، بامیه‌های مازاد بر فروش را برای این که خراب نشود نخ می‌کشیدند و در آفتاب سوزان قصر شیرین خشک می‌کردند. این بامیه‌ها بعداً برای خورش، آبگوشت و سایر غذاها مصرف می‌شد. بامیه مغذی و لینت‌دهنده مزاج است.

امید است هنرآموزان عزیز ما تا آنجا که ممکن است مهارت‌های عملی را به هنرجویان بیاموزند و در همه رشته‌های فنی و حرفه‌ای اصل حاکم عمل باشد. نه جزوه و حرف، زیرا هنرجوی کشاورزی خودش باید بذر را بکارد و آب‌پاری کند و محصول را برداشت نماید،



آماده نمودن زمین برای کشت